

یادداشت

گزارش تورم نقطه‌ای کشور و پیامدهای احتمالی آن

در این گزارش نرخ تورم روغن‌ها و چربی‌ها با تورم نقطه به نقطه فروردین در حدود ۲۳۳٫۶ درصد بالاترین نرخ تورم نقطه به نقطه را در میان گروه‌های مختلف کالا‌های مورد نیاز شهروندان نمایش می‌دهد.نرخ تورم نقطه به نقطه برای گوشت قرمز و گوشت ماکیان حدود ۱۴۵٫۹ درصد گزارش شده است.این رقم نمایانگر فشار وارد بر خانوارهای ایرانی برای تأمین کالاهای ضروری و مورد نیاز یعنی گوشت قرمز و گوشت مرغ است. همچنین تورم اعلامی برای فروردین ۱۴۰۵ در مقایسه با فروردین ۱۴۰۴ در شیر، پنیر و تخم مرغ ۱۲۷/۳ درصد است. نان و غلات ۱۳۸٫۹ درصد تورم نقطه به نقطه را در این ماه مورد بررسی تجربه کرده است. تورم سه‌رقمی در این بخش‌ها روند گام‌گسیخته گرانی‌های اخیر را بیشتر نمایش می‌دهد. میوه و خشکبار نیز در مقایسه با فروردین ۱۴۰۴ حدود ۹۲٫۸ درصد تورم نقطه به نقطه را تجربه کرده‌اند. وضعیت فوق نمایانگر فشار روزافزون تورم بر ساختار خانواده ایرانی برای تأمین مایحتاج زندگی روزمره است. پیامدهای روانی و روحی این وضعیت نیز کتمان‌کردنی نیست.

۲- شاخص‌های بررسی‌شده در میان استان‌های کشور نیز با وجود تجربه تورم بسیار نگران‌کننده نشانگر تفاوت در میزان شاخص‌های تورم نقطه‌ای در استان‌های کشور است. شاخص کل تورم نقطه‌ای برای کشور ۷۳٫۵ درصد است. برخی از استان‌ها تورم نقطه‌ای کمتری در مقایسه با میانگین کشوری را در فروردین تجربه کرده‌اند. استان تهران با حدود ۶۰۰٫۱ درصد شاخص تورمی کمتری در مقایسه با دیگر استان‌ها و البته حدود ۱۳ درصد کمتر از میانگین کشوری را تجربه کرده است. استان اصفهان با ۶۰٫۵ درصد در رتبه بعدی کمترین میزان تورم نقطه‌ای در فروردین قرار دارد. استان‌های گیلان و قم هم در میان استان‌های با تورم نقطه‌ای کمتر از معدل کشوری قرار می‌گیرند. در مقابل برخی استان‌ها نیز در فردین از تورم نقطه‌ای بالاتر از معدل کشوری برخوردار بوده‌اند. بالاترین نرخ تورم نقطه‌ای در فروردین ۱۴۰۵ در مقایسه با فرودین ۱۴۰۴ در میان استان‌های کشور مربوط به استان محروم ایلام است که با تورم نقطه‌ای ۹۴٫۲ درصد بیش از ۲۰ درصد تورم نقطه‌ای در مقایسه با استان ۱۴۰۴ و در مقایسه با دیگر استان‌ها روند روبه‌رشد بیشتری را تجربه کرده است. استان کردستان هم با حدود ۹۰٫۶ درصد نرخ تورم نقطه‌ای در مقایسه با شاخص‌های قیمتی در فروردین ۱۴۰۴ رتبه دوم را در میان استان‌ها کسب کرده و پس از آن استان‌هایی مانند خراسان شمالی و کرمانشاه و آذربایجان غربی قرار گرفته‌اند. در مناطق روستایی نیز درحالی‌که شاخص تورم نقطه به نقطه کل برای فردین ۱۴۰۵ در مقایسه با فروردین ۱۴۰۴ برابر ۸۸ درصد گزارش شده اما این شاخص در مناطق روستایی استان‌های مختلف بکینواخت نیست. مناطق روستایی استان لرستان با نرخ ۱۰۴٫۳ درصد تورم نقطه به نقطه در این ماه در رتبه نخست بیشترین میزان تورم نقطه به نقطه قرار گرفته و استان‌های ایلام با نرخ ۱۰۰٫۸ درصد، خراسان شمالی با ۹۹٫۶ درصد و استان آذربایجان غربی با ۹۷٫۷ درصد و استان کردستان با ۹۴٫۲ درصد و استان زنجان و استان مرکزی و کرمانشاه و قم در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. لازم نیست به تحلیل و ارزیابی نشست. این ارقام دو نیمه‌ی وضعیت قیمتی اقشار زیادی از شهروندان ایرانی است که در این دوره چه ناملایمات و دشواری‌هایی را تجربه می‌کنند. استان‌های کمتر برخوردار و مناطق محروم و روستاهای کشور پیامدهای نگران‌کننده‌تری از تورم را تجربه می‌کنند. این وضعیت می‌تواند به نتایج و پیامدهای پیچیده‌ای و ازجمله مهاجرت بیشتر هم منجر شود.

۳- در چند دهه گذشته تورم سالانه در کشور همواره روند رو به رشدی داشته و شاخص‌های تورم نقطه به نقطه فروردین نشانگر شد‌گرفتن این روند است. بسیاری از خانوارهای ایرانی به‌ویژه اقشار کم‌درآمدتر یا کارگران فصلی و دیگر کارگران و نیز کارکنان بخش دولتی و کارمندان دیگر گروه‌های در درآمد متوسط با فشار زندگی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شده و به‌این‌ترتیب به جز برطرف‌نشدن بخش بزرگی از نیازهای روزمره زندگی، مناسبات اجتماعی و خانوادگی این اقشار هم با مناسبات و مشکلات و چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌رو شده است. این وضعیت ارتباط مستقیم با افزایش آسیب‌های اجتماعی نیز داشته و به‌این‌ترتیب تورم تنها موجب فشار اقتصادی و ناکامی در رفع نیازهای زندگی روزمره نمی‌شود؛ بلکه دیگر حوزه‌های زندگی فردی و خانوادگی و مناسبات اجتماعی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. سه‌رقمی‌شدن شاخص تورم نقطه به نقطه درباره گروهی از کالاهای اساسی مورد نیاز شهروندان زنگ هشداری است که تا این‌رشته، باید تدابیر تخصصی و کارشناسی‌شده‌ای اندیشید تا بتوان کشور را از این بیخ مخاطره‌آمیز گذر داد. در کنار حل‌وفصل مسائل مرتبط با جنگ اخیر و دیپلماسی کشور، مسئله تورم از اساسی‌ترین و فوری‌ترین و مبرم‌ترین چالش‌های پیش‌روی کشور است که برای آن تا فرصت هست باید تدابیری اندیشه کرد. بی‌گمان بخشی مهم از این وضعیت با مباحث مرتبط با سیاست خارجی در ارتباط است اما همه داستان تنها به سیاست خارجی مربوط نیست. مصلحت ملی و مصالح کشور ایجاب می‌کند به فوریت باید به فکر حل مسائل پیش‌روی کشور از جمله تورم می‌باشیقه و نگران‌کننده موجود بود.

سیاست‌گذاری در آستانه بحران

۳. تواضع پیش‌بینانه: این مدل مهم‌ کفی را ارتقا می‌دهد، اما قدرت پیش‌بینی دقیق ارائه نمی‌کند. چارچوب حاضر منطق زبرین را روشن می‌سازد. اما برای بحران‌های به‌شدت درهم‌تنیده قادر به پیش‌بینی کنش‌های مشخص نیست.

با این حال، ایس محدودیت‌ها از ارزش تحلیلی ایسن چارچوب نمی‌کاهد؛ بلکه نشان‌دهنده نیاز به پژوهش‌های تطبیقی بیشتر هستند.

۱۲- نتیجه‌گیری: ضرورت‌های سیاست جهانی برای آینده

سیاست‌گذاری در قرن بیست‌ویکم مستلزم یک دگرگونی بنیادین در پارادایم‌های مسلط است، اما دیگر در جهانی زندگی نمی‌کنیم که سیاست صرفاً کارکردی مشابه مدیریت رفاه داشته باشد؛ بلکه در جهانی به سر می‌بریم که سیاست هرچه بیشتر ماهیتی معطوف به بقا یافته است. تاوانی الگوهای تحلیلی کلاسیک در درک فشار وجودی، اتخاذ چارچوب «سیاست‌گذاری در آستانه فاجعه» را ضروری می‌سازد. سیاست‌گذاران باید بی‌پوزند که در شرایط نبود قطعیت، آستانه‌ها را شناسایی کنند و فعال سازند. آینده ثابت جهانی بیش از آنکه در «حل کامل» منازعات نهفته باشد، در «مدیریت فاصله میان نظام‌های سیاسی و فاجعه» قرار دارد. این مقاله نشان داده است که تحلیل کلاسیک سیاست برای فهم رفتار سیاسی تحت فشار وجودی کافی نیست. تقابل ایران و ایالات متحده الگویی از بدفهمی متقابل، تشدید تنش و سختی‌پذیری راهبردی را آشکار می‌کند که نمی‌توان آن را با الگوهای سنتی مبتنی بر بهینه‌سازی عقلانی، محاسبه هزینه-فایده، یا سامانه‌های پیام‌رسانی پایدار توضیح داد. چارچوب پیشینه‌یابی «سیاست در آستانه فاجعه» – ساختاری مفهومی برای فهم استلال سیاسی در نزدیکی یا درون آستانه‌های وجودی فراهم می‌کند. مفهوم «آستانه دوگانه فاجعه» (DCT) نیز راهی نظام‌مند برای توضیح این واقعیت ارائه می‌دهد که چگونه دو کشور متخاصم می‌توانند به طور هم‌زمان در وضعیتی از شکنندگی وجودی قرار گیرند، حتی اگر توزیع قدرت میان آنها نامتقارن باشد. درک این دینامیک‌ها پیامدهای مهمی برای طراحی سیاست دارد. مدیریت تشدید، راهبرد بازدارندگی، و شیوه‌های دیپلماسی باید همگی بازآرایی شوند تا با منطق منحصربه‌فردی که کشورگاران تحت فشار وجودی را هدايت می‌کند، سازگار شوند. بدون چنین سازگاری‌ی، خطاهای محاسباتی همچنان جزئی ساختاری از رابطه ایران و ایالات متحده باقی خواهند ماند و چرخه‌های بحران نیز به تکرار خود ادامه خواهند داد. هدف این چارچوب ارائه قطعیت پیش‌بینی نیست، بلکه تعمیق تبیین است: این چارچوب عدسی تحلیلی مناسب‌تری برای تبیین تنش‌های ژئوپلیتیکی معاصر فراهم می‌آورد، جایی که نامنی سیستمی باید بر تقلبایت راهبردی پیشی می‌گیرد. پژوهش‌های آینده باید معماری مفهومی این چارچوب را اصلاح کنند و آن را در دیگر زوج‌های سیاسی پر فشار نیز بیازمایند. چنین گسترش تطبیقی برای فهم و مدیریت چشم‌انداز سیاسی که روزبه‌روز بیشتر در لبه فاجعه عمل می‌کند، ضروری است.

کافه‌نشینی زیر فشار گرانی

محمدحسین موسوی؛ کافه‌نشینی بخشی از فرهنگ روزمره طبقه متوسط شهری در ایران شده است؛ طبقه‌ای که هر روز بیش از دیروز جیب‌هایش خالی می‌شود، عطای رستوران‌های گران‌قیمت و دورهمی‌های پر هزینه را به لقای آن بخشیده و حالا کافه‌های شهر، بارش محل گذراندن وقت با دوستان، تفریح و حتی کار شده است. حالا اما رونق این «پاتوق‌های اجتماعی» ضربه خورده است. این ضربه برای کافه‌ها در کاهش پرسنل و کاهش تعداد مشتریان خود را نشان داده است و برای شهروندان در دست رفتن یک «فضای اجتماعی» که «جایی میان خانه و محل کار» برای آنهاست.

تعدیل نیرو و گران شدن قهوه

در خیابان دکتر قریب، کافه و کتاب‌فروشی بزرگی قرار دارد؛ مکانی که تبدیل به یکی از پاتوق‌های فرهنگی محله شده است. «مینو» بارستا و سالن‌کار این کافه است؛ او می‌گوید در ماه‌های گذشته همکاران زیادی را از دست داده است. او به طبقات بالا و میزهایی که در کنار طبقه دوم کافه قرار دارند، اشاره می‌کند: «زمانی که کافه شلوغ می‌شود، مشتریان را به طبقه بالا نمی‌فرستیم چون نیرویی نداریم که در آن طبقه سرویس دهد. از مشتریان آنجا سفارش بگیرد یا میزها را مرتب کند». جنگ بسیاری از کافه‌ها را به مرز تعطیلی کشاند. اینجا هم مستثنا نبود هرچند به طور محدود فعالیت می‌کرد اما مشتری‌های زیادی نداشت. حالا هم که آتش‌بس است باز هم وضعیت کافه مثل قبل نشده: «الان مشتری داریم، مخصوصاً عصرها نسبتاً شلوغ هستیم. اما هنوز به شلوغی قبل برگشته‌ایم. بعضی روزها شاید ۱۰ لیوان قهوه می‌فروشیم». مقصر بخش زیادی از این خلوتی، قیمت‌های بالاست. «مینو» می‌گوید کافه روز به روز مجبور است افزایش قیمت داشته باشد؛ «ما هزار تومان و بیشتر از این هم می‌شود». از نظر او با این شیب افزایش قیمت‌ها، دیگر کافه مکانی مقرون‌به‌صرفه برای جمع‌شدن آدم‌ها کنار یکدیگر نیست: «قبلاً هر وقت می‌خواستیم دوستانم را ببینم به کافه می‌رفتم؛ با خرید یک قهوه و احياناً یک برش کیک، هزینه کافه‌رفتم‌مان آن‌قدرها زیاد نمی‌شد، الان اما دیگر مجبوریم به پارک یا جایی برویم که هزینه نداشته باشد یا همدیگر را کمتر ببینیم».

دیوار خالی منو

صدای رانندگان تاکسی می‌آید که مشغول جدل بر سر نوبت‌شان هستند. «مهبد»، دانشجویی حدوداً ۲۵ساله روی صندلی ششبه میراماد یکی از کافه‌های معروف و زنجیره‌ای کشور نشسته است، روبه‌روی او کتابی از «ایتالو کالوینو» باز است که وزش باد ورق‌های آن را تکان می‌دهد، کتاب را در کیفش می‌گذارد. جرعه‌ای از قهوه‌اش می‌نوشد و می‌گوید: «من در یک دفتر معماری در میدان مادر کار می‌کنم. عادت‌م این است که بعضی روزها بعد از کار بیایم و قهوه‌ای بخورم و چندصفحه‌ای کتاب بخوانم». اما این عادت را باید کم‌کم کنار بگذارند، با خنده می‌گوید: «دیگر به جیب یک دانشجو نمی‌خورد این کارها، برای از ما پول‌دارترهاست». او می‌گوید از شروع جنگ تا به‌حال پروژه‌های دفتر کم شده و به نج آن حقوق آنها نیز کاهش یافته است، حالا هم که کمی دارد شرایط به حالت عادی برمی‌گردد، قیمت‌ها این قدر بالا رفته است که حقوق آنها اصلاً به چشم نمی‌آیند؛ «یک کتاب دست‌کم ۸۰۰۰۷۰۰ هزار تومان شده است، قیمت قهوه هم از قبل از جنگ آن‌چنان بالا رفته که اگر بخواهم هفته‌ای دو روز به کافه بیایم، باید نصف حقوق ماهم را خرج کنم». او به دیوار خالی نزدیک به صندوق کافه اشاره می‌کند: «اینجا قبلاً منوی فیزیکی کافه بود، اما دیگر نیست، چون قیمت‌ها برای خود کافه‌داران نیز قابل پیش‌بینی نیست».

تفریح گران

«کافه محل کار، محل قرارهای دوستانه و محل وقت‌گذرانی‌ام است. ولی نمی‌دانم تا کی می‌توانم با قیمت‌ها کنار بیایم». این را «محسن» دانشجوی رشته مکانیک دانشگاه شریف می‌گوید. «رض» که بارستا و از بنیان‌گذاران کافه‌ای در خیابان فلسطین است، با خنده اضافه می‌کند: «همین حالا یک لیوان قهوه ۲۰۰ هزار تومان شده، اگر سال پیش همین موقع چنین قیمتی را می‌گفتید، می‌گفتم امکان ندارد، الان نیز قیمت ۵۰ هزار تومانی که یک شوخی تلخ است، بعید نیست تبدیل به واقعیت شود». او موهایی بلند و ریشی تیک دارد و این کافه در خیابان فلسطین، از پاتوق‌های او برای کارکردن است: «با یکی از شرکت‌های دانش‌نیان وابسته به دانشگاه کار می‌کنم، به جز اوایل جنگ و روزهای ابتدایی آسیب‌دیدن دانشگاه، باقی روزها به کار خود

ادامه دادم. به‌دلیل ماهیت کار نیز معمولاً دفتری نداریم که بروم و در نتیجه اینجا را دفتر کار خود کرده‌ام». «رض» جراح‌های بیرونی کافه را روشن می‌کند و می‌گوید: «مثل محسن زیاد اینجا می‌آیند، ما یک کافه نسبتاً دانشجویی هستیم». از نظر او اما با این افزایش شدید قیمت قهوه و شیر، بعید است بتوانند این هویت را حفظ کنند: «برای یک جمع چهارنفره دانشجویی، کافه‌رفتن نزدیک به یک میلیون تومان خرج دارد، چنین هزینه‌ای که احتمالاً بالاتر می‌رود برای یک جمع دانشجویی، گران است. محسن اگر طبق معمول، یک لیوان چای و یک قهوه آمریکانو ساده بگیرد، باید ۲۸۰ هزار تومان پرداخت کند. در هفته اگر دو روز فقط همین‌ها را سفارش دهد در ماه دو تا سه میلیون تومان باید پرداخت کند. البته اینجا حداقل است». چنین عددی برای یک دانشجو آن هم برای نوسیدنی ماهانه، زیاد است. «محسن» هم همین نظر را دارد: «من دانشجوی ترم شش کارشناسی هستم و تازه شروع به کار کرده‌ام، اگر خرج خودم و هزینه‌های خوابگاه و اجاره امان خانه کوچکی که به یکی از دوستانم گرفته‌ایم و باقی خرج‌های روزمره را حساب کنیم، دخل و خرج من فاصله زیادی پیدا می‌کنند. تحت این شرایط اولین چیزی که باید حذف کنم کافه است». «رض» که مشغول آماده‌کردن سفارش یک منتری است، می‌گوید: «ما هم کم‌کم باید خودمان کافه را جمع کنیم. اجاره بالا، فروش کم و قیمت افزایشی مواد اولیه اجازه فعالیت را به ما نمی‌دهد». او به‌زتابی پشت کانتِر کافه ایستاده و می‌گوید: «قبلاً گاهی وقت‌ها برای کمک شیفَت می‌زدم، وگرنه کار اصلی من مدیریت کافه و فروش عمده قهوه رست‌شده است. اما از دی‌ماه آن‌قدر وضعیت مالی من و دو شریکم به هم ریخته که مجبور شدیم به جز یک بارستا و سه نفر مسئول سالن، باقی بچه‌ها را تعدیل کنیم».

بازار متلاطم دانه قهوه

«از آبان‌ماه که دلار به ۱۰۶ هزار تومان رسید، تلاطم بازار قهوه مثل هر بازار دیگری شروع شد. در دی‌ماه سال گذشته، کافه‌ها و کارگاه‌های برشته‌کاری بزرگ قهوه اعلام تعطیلی کردند و در ادامه تعدادی از کافه‌ها هم بسته شدند». «محمد» از توزیع‌کنندگان و پیش‌کنندگان قهوه در تهران است. او سال‌هاست در این صنف فعالیت می‌کند و می‌گوید از دی‌ماه وضعیت بحرانی به بازار قهوه ایران حاکم شده است: «در دی‌ماه با جامعه‌ای روبه‌رو شدیم که به علت افزایش قیمت قهوه و همین‌طور تعدیلات، اتفاقات، کمتر به کافه می‌آید. کافه‌ها هم که با کاهش فروش مواجه می‌شوند، در کنار انتظار جنگ و تلاطم‌های ارزی، تصمیم به تعدیل نیروها یا حداقل کاهش استخدام نیرو گرفته‌اند. نتیجه این اتفاق را در همه کافه‌های شهر می‌توان دید. مثلاً در یک کافه بسیار بزرگ می‌بینیم که تنها یک آشپز وجود دارد و یک نفر نیز مسئول بار است». او به وضعیت شب بعد سال گذشته اشاره می‌کند: «اسفند سال گذشته همراه با شروع جنگ و ماه رمضان، کافه‌ها در روزهایی که امید به فروش داشتند، مجبور به تعطیلی در بیشتر ساعت‌های شبانه‌روز شدند». بازار بد و وضعیت مبهم فروش شب عبید کافه‌ها، با شروع جنگ بدتر شد: «در جنگ ۱۲روزه چند روز طول کشید تا مردم به شرایط جنگ عادت کنند و به خانه‌هایشان بازگردند. اما در جنگ اخیر، از همان ۹ اسفندماه ناگهان شهر خلوت شد. تحت‌تأثیر این شرایط بسیاری از کافه‌ها از جمله کافه‌های زنجیره‌ای تعطیل کردند، چند کافه نیز از جمله لمیز شعبه مطهری آسیب جدی دید و باطلیح، تعدیل نیروی گسترده دیگری شروع شد. این تعدیل‌هایی که از دی شروع شده بود، باعث شد بازار با افزایش تقاضای

گزارش میدانی «شرق» از افزایش قیمت قهوه و کاهش مشتریان

کافه‌نشینی زیر فشار گرانی



کار بدون افزایش تعداد عرضه موقعیت‌های شغلی مواجه شود، در نتیجه در بین بارستاها و کارمندان کافه‌ها رقابت بر سر جایگاه‌های شغلی شکل گرفت». «محمد» می‌گوید تحت تأثیر جنگ، قیمت قهوه به شکل تصاعدی در حال بالارفتن است، زیرا واردات قهوه نزدیک به ۵۰ روز است متوقف شده است؛ «تا جایی که من می‌دانم قهوه‌ای که سفارش داده می‌شود، اول به دوبی می‌رود و بعد از آنجا به ایران فرستاده می‌شود. از اول جنگ تا به حال هیچ وارداتی صورت نگرفته است، در نتیجه تأمین‌کنندگان قهوه ایران، ابرارشان را با قیمت‌های بالاتر خالی می‌کنند. یک مثال بخواهم بزنم، اینکه ارزان‌ترین قهوه ایران قهوه ویتنام است، این قهوه به شکل قله‌ای تا بیش از جنگ به قیمت کیلویی یک میلیون و صد هزار تومان به فروش می‌رسید، حالا بعد از ۵۰ روز، قیمت این قهوه به کیلویی یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسیده است». بر همین اساس، تمام دانه‌های قهوه در حال افزایش قیمت هستند، اما تلاطم بازار قهوه تنها به علت افزایش قیمت‌ها نیست: «افزایش قیمت در بعضی قهوه‌ها به این علت است که بعضی شرکت‌ها چون نیازی به این ندارند که برای هزینه‌های روزمره کار، پول نقد دریافت کنند، قیمت‌هایی اعلام می‌کنند که مطمئن هستند با آن قیمت می‌توانند دوباره قهوه وارد کنند یا از ترس افزایش قیمت‌ها رقم‌های غیرواقعی اعلام می‌کنند. از سمت دیگر یک مسئله این است که شرکت‌هایی که به صورت عمده دانه قهوه وارد می‌کنند، فروش چکی را ممنوع کرده‌اند. بعضی شرکت‌ها نیز به صورت پیش‌وازین فروش انجام می‌دهند. و خب برای مثال یک تن دانه قهوه را اگر یک برشته‌کاری بخواهد بخرد تا به کافه‌ها بفروشد، باید بیش از یک میلیارد تومان به‌صورت نقد پرداخت کند و این عددی نیست که پرداخت نقدی آن به راحتی ممکن باشد». این شرایط پیچیده افزایش قیمت‌ها تنها مشکل کافه‌ها نیست، محصولات دیگر نیز با افزایش قیمت و کاهش عرضه مواجه شده‌اند: «شرکت‌های کیک و شیرینی‌پزی مثل نان‌آوران نیز فروش را کم یا حتی صفر کرده‌اند. برخی اقلام نیز مثل بستنی و شیر بسیار افزایش قیمت داشته‌اند، برای مثال بستنی نوتلا که سابقاً دویالت آن یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان قیمت داشت، حالا با چهارمیلیون و ۸۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در نتیجه آیتم‌هایی مثل شیک و قهوه‌های شیردار مثل لاته افزایش قیمت بیشتری نسبت به قهوه را تجربه کرده‌اند.» «محمد» نتیجه این شرایط را چیزی جز تداوم تعدیل نیرو و بسته‌شدن کافه‌ها نمی‌داند.

توقف در میانه رشد

تاریخ تبدیل کافه به «فضاهایی اجتماعی در شهر» به ۱۳۱۰ بازمی‌گردد؛ در ابتدا کافه‌ها پاتوق‌های روشنفکری بودند، در دهه ۱۳۶۰ کم‌کم از وجه روشنفکرانه کافه‌ها کم و به وجه عمومی‌تر آنها افزوده شد. تخمین‌ها نشان می‌دهند از اوایل دهه ۹۰، تعداد کافه‌ها در شهر تهران از حدود ۳۰۰ واحد به نزدیک شش هزار واحد تا به الان رسیده‌اند، به عبارتی تعداد کافه‌ها در کمتر از ۱۵ سال، ۲۰ برابر شده است. این تعداد تنها به کافه‌های رسمی اشاره دارد و شامل کافه‌های سیار و… نمی‌شود. اما حالا، در میانه این مسیر رشد، کافه‌ها که دیگر وجه غیرقایل انکاری از زیست شهری را شکل می‌دهند، با بحران‌هایی جدی که حیات فرهنگی و اقتصادی آنها را تهدید می‌کند مواجه شده‌اند، بحران‌هایی‌که به مرور از رونق آنها می‌کاهد و شهروندان را نیازمند بازتعریف هویت اجتماعی‌شان می‌کند.

سلامت

نیایاب شدن برخی آنتی‌بیوتیک‌ها

ایلنا؛ دبیر انجمن پیوند کلیه ایران گفت: «در حوزه آنتی‌بیوتیک‌ها با مشکلاتی مواجهیم و برخی از این داروها بسیار نایاب شده‌اند. بیماران دیالیزی و پیوندی به دلیل شرایط جسمی خود ممکن است دچار عفونت شوند و نیاز به بستری و دریافت آنتی‌بیوتیک داشته باشند، بنابراین تداوم این وضعیت می‌تواند مشکلات بیشتری ایجاد کند». «فاطمه پوررضاقلی» دبیره روند ارائه خدمات درمانی به بیماران دیالیزی و پیوندی در دوران جنگ افزود: «در طول جنگ، روند درمان بیماران متوقف شد و مراکز پیوند و دیالیز به فعالیت خود ادامه دادند. البته میزان مراجعات تا حدودی کاهش پیدا کرد که طبیعی بود؛ چراکه بخشی از بیماران تهرانی مانند سایر شهروندان به شهرستان‌ها رفته بودند و همین موضوع موجب خلوت متوقف شد و مراکز دیالیز تهران شده». او افزود: «با این حال، هیچ‌گونه وقفه‌ای حتی در ارائه ۲۴ساعته خدمات درمانی به بیماران ایجاد نشد و تاکنون نیز مشکل جدی در این زمینه گزارش نشده است. در حوزه پیوند نیز فقط در اوج شرایط جنگی و به دلیل گرانی و ترس بیماران، وقفه کوتاهی ایجاد شد، اما روند درمان و دوره‌های درمانی ادامه پیدا کرد و اکنون شرایط تقریباً به وضعیت پیش از جنگ بازگشته است». پوررضاقلی

درباره وضعیت دارویی بیماران دیالیزی و پیوندی نیز گفت: «اگرچه کشتی حامل تجهیزات دیالیز هدف حمله قرار گرفت، اما خوشبختانه تاکنون مشکلی در روند تأمین ایجاد نکرده، اما باید دید در ادامه شرایط به چه صورت پیش خواهد رفت». دبیر انجمن پیوند کلیه ابرار ادامه داد: «در حوزه دارو، به دلیل تغییر سیاست‌های ارزی، داروهای برند با افزایش قیمت مواجه شده‌اند، اما در زمینه داروهای تولید داخل، فعلاً مشکل خاصی از نظر دسترسی وجود ندارد و تا این لحظه با بحران جدی دارویی مواجه نشده‌ایم». او با اشاره به کاهش ذخایر دارویی هشدار داد: «بخشی از ذخایر دارویی و بیمارستانی طی ماه‌های گذشته مصرف شده و اگر کشایشی در روند تأمین دارو ایجاد نشود، احتمال بروز مشکل جدی در آینده وجود دارد. در حال حاضر نیز کمبود برخی داروهای عمومی و در دسترس، به‌تدریج محسوس شده است».

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانه‌های فاقد سند رسمی شهرستان الشتر-سری (۵۷۱) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی شهرستان الشتر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید. در صورتی که اعتراض از مهلت قانونی اصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه شماره محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۵/۲/۶) نوبت دوم : (۱۴۰۵/۲/۲۱)

- تقاضای «برزرو رضائیان»فرزند «علی رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۴۲۱۰،۱۱ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۸۰» فرعی از «۱۸۹» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا رضائیان»
- تقاضای «ستار رضائیان» فرزند «برزرو» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۸۰۹،۸۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۲۷۹» فرعی از «۱۸۹» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا رضائیان»
- تقاضای «شرکت تعاونی کشاورزی پلاک گروشتی علم اباد» فرزند «ر» نسبت به «شش‌دانگ یک واحد پرورش مرغ گوشتی» بمساحت «۳۲۴۴،۴۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۲۸» فرعی از «۱۸۹» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «برزرو رضائیان علم»
- تقاضای «محمد ولی یوسفوند» فرزند «مراد علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۲۶۲،۴۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۵۸» فرعی از «۱۲۶/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مراد علی یوسفوند فرزند بدر علی»
- تقاضای «یوسف حاجی پور» فرزند «کمال» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۲۲۷،۹۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۵» فرعی از «۲۸/۱۰» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کمال حاجی پور ذوغالی»
- تقاضای «رحمن حاجی پور ذوغالی» فرزند «کمال» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۷۶۸،۰۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۴» فرعی از «۲۸/۱۰» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کمال حاجی پور ذوغالی»
- تقاضای «علی یار و مراد نورالهی» فرزند «صید اله و صید آقا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۶۴۲۵،۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۶» فرعی از «۴۵/۲۵» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خسرو احمدی»
- تقاضای «مراد نورالهی» فرزند «صید آقا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۲۰۹۸،۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۸۴» فرعی از «۴۳/۶۶» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حیدر آقا نورالهی»
- تقاضای «مراد نورالهی» فرزند «صید آقا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۴۲۶۱،۰۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۲۶» فرعی از «۴۴/۸» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن خسروی»
- تقاضای «هروی» و مصطفی و مهین و مرتضی مرادی و سجاد مرادی گرگان» فرزند «پایب مراد» نسبت به «شش‌دانگ مشاع از یک باب عمارت مسکونی » بمساحت «۱۰۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۹۸۳» فرعی از «۹۱» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «هروی و مصطفی و مهین و مرتضی مرادی و سجاد مرادی»

شنامه: ۲۱۵۵۱۸۱

حیدر امراتی

رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان الشتر ۶۷۴